

بازجویی به سبک شاهرخ ضرغام

۳۰ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۱۹

او قبل انقلاب مدتی محافظ کاباره ها بوده و بعد از انقلاب و در زمان جنگ همراه با یک سری از لات های تهران راهی جبهه می شود در خاطرات در مورد او آمده است :شاهرخ رفت سراغ چهار اسیری که صبح همان روز گرفته بودند. یکی از بچه های عرب را هم برای ترجمه آورد. بعد گفتخبخبر دارید دیروز فرمانده یکی از گروهان های شما اسیر شد. اسرای عراقی با علامت سر تائید کردند.بعد ادامه داد: شما متجاوزید. ما هر اسیری را بگیریم می کشیم ومی خوریم.مترجم تعجب کرده بود.

شاهرخ ضرغام یکی از رزمندگان عجیب تاریخ جنگ است . او قبل انقلاب مدتی محافظ کاباره ها بوده و بعد از انقلاب و در زمان جنگ همراه با یک سری از لات های تهران راهی جبهه می شود در خاطرات در مورد او آمده است :شاهرخ رفت سراغ چهار اسیری که صبح همان روز گرفته بودند. یکی از بچه های عرب را هم برای ترجمه آورد. بعد گفتخبخبر دارید دیروز فرمانده یکی از گروهان های شما اسیر شد. اسرای عراقی با علامت سر تائید کردند.بعد ادامه داد: شما متجاوزید. ما هر اسیری را بگیریم می کشیم ومی خوریم.مترجم تعجب کرده بود. اما سریع ترجمه می کرد. هر چهار اسیر عراقی ترسیده بودند و گریه می کردند. ما از دور نگاه می کردیم و می خندیدیم.

شاهرخ بلافاصله به سمت قابلمه کله پاچه رفت. بعد هم زبان کله را درآورد. جلوی اسرا آمد وگفت: فکر می کنید شوخی می کنم؟! این چیه؟! جلوی صورت هر چهارنفرشان گرفت. ترس عراقی ها بیشتر شده بود. مرتب ناله می کردند. شاهرخ ادامه داد: این زبان فرمانده شماست زبانه می فهمید؛زبان!زبان خودش را هم بیرون آورد و نشانشان داد. بعد بدون مقدمه گفت: شما باید بخوریدشلمن و بچه های دیگه مرده بودیم ازخنده ،برای همین رفتیم پشت سنگر.ساعتی بعد درکمال تعجب هر چهار اسیر عراقی را آزاد کرد. البته یکی از آنهاکه افسر بعثی بود را بیشتر اذیت کرد.بعد هم بقیه کله پاچه را داغ کردند و با رفقا تا آخرش را خوردند.آخر شب ازش پرسیدم چرا اینکارو کردی ؟

گفتما باید یه ترسی تو دل نیروهای دشمن می انداختیم. اونها نباید جرات حمله پیدا کنند. مطمئن باش قضیه کله پاچه خیلی سریع بین نیروهای دشمن پخش می شه.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۲۶۰۴/بازجویی-سبک-شاهرخ-ضرغام>